

انترناسیونال

دوره دوم
۴۸

جمعه، ۲۳ مرداد ۱۳۸۳

۱۳ اوت ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سرمدیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمهوری اسلامی حتی با اتم هم قادر به بقا نخواهد بود!

علی جوادی

صفحه ۴

۱۶ سال از کشتار ۶۷ گذشت
جانان را آسوده نخواهیم گذاشت!

کازم نیکخواه

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!

سیاوش مدرسی

رها نخواهیم کرد. تمام عاملین ریز و درشت کشتار فجیع عزیزان مردم باید محکوم و مجازات شوند.

جنایت آنچنان فجیع و بیرحمانه و ددمنشانه بود که حتی یادآوری گوشه‌هایی از آن نیز انسان را شوکه میکند. خمینی دستور داده بود با بیرحمی تمام هرکس را که در برابر نظام اسلامی نه بگوید فوراً اعدام

صفحه ۲

غیرقابل وصف سر به نیست شدند و بازماندگان و بستگان آنها مسئول است. این پرونده باید در دادگاههای بین‌المللی گشوده شود. دولت‌ها، سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق انسانی، و رسانه‌های بین‌المللی در قبال این جنایت سکوت کردند و هنوز نیز کمابیش ساکتند. این پرونده را مردم سرنگونی طلب و بی‌پاخاسته ایران به کمک همه مردم شریف جهان دوباره خواهند گشود. گریبانشان را

۱۶ سال از کشتار وسیع و فجیع زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی در سال ۶۷ گذشت. قاتلین شناخته شده این هزاران انسان همچنان در حکومتند، میلیون‌ها مردم ایران همچنان در چنگال همین قاتلین اسیرند و با جدالی بی‌وقفه در تلاش خلاصی خویش از این بختک خون‌آشام اسلامی هستند. بشریت در قبال قربانیان این جنایت که در پشت دیوارهای شکنجه‌گاهها با قساوتی



جمهوری اسلامی باید برود! این باور ۹۹٪ درصد مردم گرفتار آمده در چنبره رژیم اسلامی است! جمهوری اسلامی را باید از سر راه زیستن، کار کردن، خندیدن، شاد بودن و انسانی زیستن قریب به ۷۰ میلیون انسان جارو کرد! این نیاز یک جامعه زندانی در شرایطی قرون وسطایی است!

مردم جمهوری اسلامی نمی خواهند! مردم میخواهند در امنیت زندگی کنند، آزاد باشند، و در جامعه‌ای تنفس کنند که در آن زن انسان درجه دوم و حقیر محسوب نمی‌شود؛ کارگر، بدون مزد، بدون نان، و بدون حق تشکل و مسکن رها نمی‌شود، کودک وسیله سودجویی مشتی انگل نیست، جوانان آن شاد و رها و آزاد و برخوردار از تمام نعمات زندگی هستند. مردم جامعه‌ای میخواهند که در آن آزادی بیان، اندیشه و تشکل بر سردرش نوشته شده باشد، مردم از چنگ اندازی مذهب به شخصی‌ترین روابطشان، به آموزش و پرورش، به فرهنگ، و به تعقل و اندیشه‌شان بیزارند. مردم از آونگ کردن "مجرمین" بر دکل‌های جرتقیل، از شلاق زدن جوانان، از حمله به جشنها و شادی‌های شخصیشان متنفراند. مردم جانان از دست این رژیم به لبشان رسیده است!

اما هنوز جانان اسلامی پا برگرده مردم می‌کوبند، می‌چاپند، عریده میکشند و اعتراضات مردم مسئله کنترل ماشین دولتی امروز در ایران، چه برای سران جمهوری اسلامی، چه برای مردم و چه در بین اپوزیسیون راست و چپ عمده‌ترین مسئله است. در واقع سوال مرکزی در بین نیروهای راست جامعه این است که: با یا بدون جمهوری اسلامی چه بر سر ماشین دولتی و سرکوب رژیم خواهد آمد؟ آیا جامعه را "هرج و مرج" فراخواهد گرفت؟ آیا با صدمه خوردن ماشین

پیروزی بر حکومت
در گرو چیست؟

شهلای دانشفر

اوضاع را در دست داشته باشد. در مقابل، اما شاهد این هستیم که تعرضات رژیم دارد با تعرض مردم پاسخ می‌گیرد. شاهد وارد شدن جامعه به فاز جدیدی از اعتراض و مبارزه هستیم. هم رژیم میدانند و هم مردم با اعتراضاتشان نشان داده‌اند که دیگر اوضاع سیاسی جامعه حتی به اوضاع قبل از ۲۰ خرداد ۸۱ نیز

صفحه ۳

در جامعه را به عقب براند و در مقابل هر صدای اعتراضی بایستند. با اتخاذ این سیاست رژیم توانست ۱۸ تیر امسال را از سرنگوناند و اکنون با ادامه تعرضات خود به مردم و با رها کردن گله‌های حزب الله در خیابان و تعرض به زنان تحت عنوان بدحجابی، حمله به جوانان تحت عنوان زیر پا گذاشتن شئون اسلامی و کشاندن بساط اعدام در ملاء عام میکوشد همچنان کنترل

بدنبال ۲۰ خرداد و ۱۸ تیر سال گذشته و یکسال پر جنب و جوش در همه بخش‌های جامعه، رژیم بخوبی میدانند سربلند کردن هر حرکت اعتراضی میتواند همچون شعله‌ای کل جامعه را فرا بگیرد. از این روست که حکومت امروز با نشان دادن چنگ و دندان در مقابل این موج ایستاده است. نزدیک به دو ماه است که رژیم اسلامی با سرکوب و ایجاد ارباب تلاش دارد جنبش اعتراضی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

دولتی کنترل جامعه و مردم ممکن خواهد بود؟ طرفداران سلطنت و آلترناتیوهای پروغری خواهان این هستند که ماشین دولتی دست نخورده بخودشان منتقل شود. آنها میخواهند ماشین سرکوب دولتی دست بدست شود. از نظر آنها مردم تا آنجا در این پروسه دخالت کنند که یک "تغییر رژیم" آرام اتفاق بیفتد، سیاست امر مردم نشود، زیادی در آن دخالت نکنند، توقعات مردم کنترل شود. کرور کرور دکتر و تحصیل کرده، افسر بازنشسته ارتش شاهنشاهی، پروفیسور و شازده و فیلسوف اسلامی به صف شده اند تا خوش و خرم ماشین دولتی را تحویل بگیرند. آنها به این ماشین سرکوب برای ادامه حکومت خودشان نیازمنداند، میخواهند شعار "ارتش برادر ماست" را باز سر دهند و این بار خودشان از ارتش و نیروهای مسلح سان ببینند.

مطالبات سیاسیهای هم از این حد فراتر نمی رود، بهمین دلیل خواهان حکومتی تماماً سکولار

خواری ندارد، میدانند که مردم محو تمامیت نظام اسلامی و ماشین دولتی و سرکوب آن را میخواهند. این حقیقت را خوب میدانند، از آن وحشت دارند به این دلیل ساده که علیه منافع خودشان هم هست.

اگر عملکرد دخردادی ها و ملی مذهبی ها در گذشته و پس ماندهایشان در امروز را نگاه کنیم، اگر پرونده شازده رضا پهلوی و یک دوجین سازمان ریز و درشت جمهوری خواه و اکثریتی و توده ای را ورق بزنیم، چیزی جز آرام باشیدا! شلوغ نکنید! در ظرفیت قانون مخالفت کنید! پیدا نمی کنید. با فوکل مخالفت با "خشونت"، مردم را به پذیرش شیخ ترین و کثیف ترین و بی محابا ترین خشونت های دولتی دعوت میکنند! بنام مخالفت با تفتیش عقاید آزادی عقاید مردم را بنفع رژیم چیچی میکنند! بنام آزادی بشر به عریا ترین تعرضات اسلامی به هست و نیست مردم جواز عبور میدهند! حجاب اجباری برای دختر بچه ها را دفاع از آزادی زنان در انتخاب پوشش جار میزنند و نسبیت فرهنگی را چاشنی فلسفی

همگامیشان با قوانین گنبدیده جمهوری اسلامی میکنند.

اما جمهوری اسلامی یک سیستم و نظام قانونمند نیست، رژیم اسلامی دولتهای دیکتاتوری رمانی و اندونزی نیست، رژیم اوپاش مسلح است که هر باند و آخوند آن دولتی کوچک در اختیار دارد، نیروی مسلح خودش را دارد، قداره کش و پامنبری و لپمنهای خودش در اختیار دارد، هرکدامشان یک ملا عمر و مقتدی صدر و حاجی خمینی هستند، هر آخوند و روضه خوانی یک مرجع تقلید است و مثنی نان خور و لات را بدک میکشد، اینها بافت اصلی حکومت اسلامی را تشکیل میدهند و به سادگی هم تن به "انقلاب مخملی!" هیچ مدعی تاج و تخت و روزنامه نگار لطیفی نمی دهند. جمهوری اسلامی با زور حکومت میکنند، با زور هم برکنار میشود، این حقیقت عریانی است که خودشان هر روز در کرنا میکنند!

حزب کمونیست کارگری و نیروی چپ و رادیکال جامعه، حس و ادراک مردم و تمایلشان در بزیر کشیدن کلیت نظام جمهوری اسلامی و در هم

شکستن ماشین دولتی و سرکوب آن را نمایندگی می کند. دولت جمهوری اسلامی و تمامی قوانین حقوقی، مدنی و اجتماعی آن باید سرنگون شود، ماشین سرکوب جمهوری اسلامی باید در هم کوبیده شود و جای خود را به رژیم سکولار، آزاد و برابر با اراده آزاد مردم بدهد.

اکثریت مردم جامعه هیچ توهمی به حکومت اسلامی ندارند، و هیچ منفعتی در حفظ هیچ بند و تبصره قوانین سیاه جمهوری اسلامی ندارند. ما خواهان بزیر کشیدن جمهوری اسلامی با کمترین تلفات جانی هستیم، ما خواهان انحلال قوای سرکوبگر نظامی و محو ماشین قضائی و قانون گذاری آن هستیم، این نظام باید تماماً معدوم شود و این تنها با کسب قدرت سیاسی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی ممکن است. باید ماشین سرکوب رژیم را درهم شکست، این نیاز جامعه است، این تنها راه رهایی از شر نکتب جمهوری اسلامی است.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید! *

از صفحه ۱ جانین را آسوده نخواهیم گذاشت!

کنند. و با این فرمانی که خباثت از هر کلام آن می بارید، صفی از قاتلین و جلاخان اجیر شده حرفه ای، مرتجعین متحجر و تشنه خون، و روانی های ضد بشر و ضد آزادیخواهی، روانه زندانها شدند، درها را از پشت بستند، با قطع کامل ملاقاتها اطراف زندانها را خلوت کردند، و با خونسردی و بیرحمی تمام بجان فرزندان در بند مردم افتادند. دستگاههای تفتیش عقاید به سرکردگی آخوند اشرافی و همکاری جانین دیگری همچون نیری و میشری، و طراحی و هدایت موسوی اردبیلی که رئیس دیوان عالی بود بر پا گردید و با قرار دادن زندانیان در برابر چند سوال مطلقاً تحقیر آمیز و شخصیت شکنانه، قربانیان جوخه های اعدام را در عرض چند دقیقه انتخاب میکردند و روانه قتلگاهها مینمودند. ابتدا از وابستگان مجاهدین شروع کردند و سپس دست بکار قتل عام کمونیستها و چپها شدند. دستگاههای کشتار بنا به اطلاعاتی که بعداً درز کرد در تمام زندانهای جمهوری اسلامی شب و روز مشغول کار بودند. هزاران تن را حلق آویز کردند و بسیاری را به رگبار بستند. شمار دقیق قربانیان هنوز

درهای بسته صورت گرفت تغییری در این حقیقت نمیدهد که کشتار زندانیان سیاسی از نظر سیاستگزاران حکومت میبایست مردم را منکوب و مرعوب کند و عقب براند. کشتاری با آن وسعت را هیچ حکومتی جلوی چشم مردم انجام نمیدهد و نمیتواند بدهد. مساله اینست که بعد از اتمام کار مردم از ابعاد جنایت با ناباوری خبردار شدند و بر خود لرزیدند. و این آن هدفی بود که اساساً از این کشتار فجیع دنبال میشد.

قتل عام شهریور ۶۷ البته خواص دیگری هم برای حکومت داشت. عملاً صفوف حکومت جانین را پالایش داد، مرددین را کنار زد و خط دارترین و خونخوارترینها را به جلوی صحنه راند تا در سالهای بعد از مرگ خمینی سکانهای حکومت را در دست بگیرند و جدالی خونین را علیه مردم بجان آمده ایران به پیش برند.

در فضای پس از شکست جمهوری اسلامی در جنگ با عراق و زد و بندها و مذاکرات و رفت و آمدهای مختلف با این حکومت، جنایت شهریور ۶۷ با سکوت رسانه ها و دولتهای غربی مواجه شد و انعکاس وسیعی نیافت. با آنکه سازمان عفو بین الملل گزارشی از

این موج اعدامها را منعکس نموده بود جهان بنحو شگفت آوری از این جنایت بی خبر ماند و این را جمهوری اسلامی مدیون همان زد و بندهایش با دولتهای غربی، و رسانه های نان به نرخ روز خور و سرسپرده است.

اما در شرایطی که پرونده ارتجاع اسلامی حاکم در ایران با گسترش مبارزات مردم میرود که بسته شود، پرونده قتل عام ۶۷ باید گشوده شود. آیا بشریت در آغاز قرن بیست و یکم نمیخواهد سراغ مسببین مستقیم خونین ترین جریان تفتیش عقاید و پایمال کنندگان آشکار زندگی انسانها برود؟ شمار بسیاری از زندانیانی که به دار آویخته شدند یا تیرباران شدند، حتی بر اساس قوانین خود حکومت اسلامی دوره محکومیتشان تمام شده بود و منتظر آزاد شدن بودند. بسیاری شان هنوز منتظر محاکمه بودند. شمار زیادی محکومیت هایشان معلوم شده بود و بخشی از دوره محکومیت خود را گذرانده بودند. یعنی با معیارهای خود این حکومت نیز این یک جنایت و "بی قانونی" بود! و از سوی دیگر قاتلین مستقیم شهریور ۶۷ دارند در ایران حکومت میکنند. این برای جامعه بشری شرم آور است. اینان جایشان باید در زندانها باشد.

رفسنجانی یکی از آنهاست. خطبه نماز جمعه او در اوایل مرداد ۶۷ که مستقیماً از بلندگوهای زندانهای ایران پخش شد و گفت مخالفین را نابود خواهیم کرد، سوت آغاز کشتار را به صدا در آورد. لیست متهمین این پرونده البته بسیار طولانی است و همگی از سران و گردانندگان شناخته شده حکومتند. اینان شاکیان خصوصی بسیاری دارند.

گشودن پرونده قتل عام شهریور ۶۷ باید جزئی از تلاش هر نیروی آزادیخواه و انسان دوست باشد. جنایتکاران باید در دادگاههای بین المللی پاسخگو اعمال خود باشند و مجازات شوند.

جنبش انقلابی و سرنگونی مردم ایران مدتهاست به حرکت در آمده است. این جنبش حق طلبی مردم بجان آمده ای است که مصممند این ماشین جنایت سرمایه داران را با انقلاب خویش در هم کوبند و به دوره یک تازی جانینان و جلاخان پایان بخشند. مردمی به جان آمده از خفقان و کشتار و جنگ و فقر به میدان آمده اند. گسترده تر از این به میدان خواهند آمد و به دوره یک تازی این کثیف ترین نیروهای تاریخ برای همیشه نقطه پایان خواهند گذاشت و جامعه ای انسانی و آزاد و شاد را پی خواهند ریخت. *

از صفحه ۱

پیروزی بر حکومت در گرو چیست؟

باید به تدارک تعرض سازمانیافته رفت

برنخواهد گشت و جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را دیگر نمیتوان به عقب راند. این جنبش دارد قوام می یابد و بخود سازمان میدهد تا اینبار یکپارچه و متحد کل حاکمیت این رژیم را به پایین بکشد.

اتفاقاتی که در همین دو هفته اخیر گذشت بیانگر حال و هوای تازه ای در جنبش اعتراضی جامعه است. در تعرض منکرات رژیم به چند زن در مشهد، دو دختر جوان، مرضیه و خواهرش، در مقابل تهاجم منکرات کوتاه نیامدند و حجاب را حتی از سر خواهران زینب پایین کشیدند و مردم به حمایت از آنها جمع شدند. در آبادان هنگامیکه مامورین منکرات زن جوانی را مورد بازخواست قرار دادند، این تعرض فوراً با اعتراض متقابل او و همسرش پاسخ گرفت و با حمایت مردم تبدیل به تجمعی شد که مامورین منکرات را فراری داد. در تبریز هنگامیکه مامورین شهرداری میخواستند بساط دستفروشان را جمع کنند، زن جسوری با فریاد و اعتراض به مامورین شهرداری مردم را به اعتراض فرا خواند، و در زاهدان بساط برپا کردن جوخه اعدام به درگیری با مامورین انتظامی رژیم تبدیل شد. در کنار اینها، اعتراضات پی در پی پرستاران برای پیگیری خواستههایشان ادامه داشته است. معلمان با اجتماعات هر یکشنبه خود موفق شدند رژیم را به عقب برانند و دبیر کانون صنفی معلمان محمود بهشتی لنگرودی از زندان آزاد شد و معلمان اعلام کرده اند که تا آزاد شدن معلم دستگیر شده علی اصغر ذاتی و تا پاسخ گرفتن خواستههایشان دست از مبارزه بر نخواهند داشت. همچنین در همین روزها ما شاهد حرکات و اعتراضات کارگران در مقابل بیکارسازیها و دستمزدهای پرداخت نشده هستیم. کارگران پتروشیمی در کرمانشاه بار دیگر شیپور اعتراض علیه بیکارسازیها را بصدا در آوردند. اینها همه شواهدی هستند که از یکسو بیانگر حال و هوای جدیدی در مبارزه مردم است، اینها بیانگر اینست که مردم در مقابل تعرضات رژیم عقب نشینی نمیکند و با تعرض متقابل به آن پاسخ میدهند.

آزاد شدن دبیر کانون صنفی معلمان از زندان نشان داد که با اعتراضات پی در پی میتوان درب زندانها را گشود و میتوان رژیم را عقب راند. از سوی دیگر برخی از اعتراضات همین دو هفته اخیر همسرنوشتی مبارزه کارگران و بخش های مختلف جامعه را نشان میدهد. این هم سرنوشتی را میتوان بطور مثال در تبریز در اعتراض زنی که به حمایت از دستفروشان در مقابل ماموران شهرداری به اعتراض بلند میشود دید که فریاد میزند و میگوید چرا به جای کار برای این انسانها به آنها حمله میکنید! چرا به جای بیمه بیکاری آنها را مورد تعرض قرار میدهید! نمونه دیگر در فرودگاه آبادان است که زن جوانی که به همراه همسر و فرزندانش میخواهد به سفر برود از سوی مامورین منکرات مورد تعرض قرار میگردد و همسر این زن با صدای اعتراضی بلند میگوید دست از این تعرضات بردارید! شما میخواهید با این کار بیکاری و فقر مردم را لاپوشالی کنید! اینها همه بیان دیگری از پیوند نزدیک اعتراضات کارگران با اعتراض بخش های مختلف جامعه و قوام یافتگی مبارزاتی است که در مقابل رژیم دارد شکل بگیرد.

اما اگر امروز رژیم توانسته است علیرغم چنین فضایی از اعتراض و مبارزه دست به تعرض بزند ناشی از یک کمبود اساس و ناشی از متشکل نبودن و بهم پیوسته نبودن مبارزات جاری در جامعه است. برای بزرگ کردن این حکومت و تحقق یک انقلاب پیروزمند نیاز به میدان آمدن نیروی متحد طبقه کارگر و نیاز به مبارزه متحد و بهم پیوسته اقشار مختلف مردم است. نیاز به میدان آمدن کارگر نفت و کارگرانیست که در مراکز کلیدی قرار دارند که یک روز اعتصاب سراسری آنها تمام جامعه را بحرکت در خواهد آورد. امروز روز سازمانیافتن و پیشبرد مبارزه ای متحد و سازمانیافته است. با تدارک مبارزه ای متشکل و سازمانیافته میتوان نه تنها تعرضات امروز رژیم را به عقب راند بلکه به عمر ننگین این رژیم خاتمه داد.

امروز ما بیش از همیشه شاهد جنب و جوش وسیع مردم در بخش های مختلف جامعه برای متشکل شدن هستیم و برای آن تلاش میکنند. بنا بر آمارهای رسمی هم اکنون در حدود ۱۳۰۰۰ تشکل در لیست هستند تا برایشان مجوز فعالیت صادر شود. تشکلهایی که از قبل فعالیت خود را شروع کرده و با فشار مبارزانشان میکوشند وجود خود را بر رژیم تحمیل کنند. این آن جنبشی است که دارد خود را در همه ابعادش سازمان میدهد و قوام می یابد. اوضاع سیاسی امروز بیش از هر وقت بر ضرورت متشکل شدن و تدارکی سازمانیافته در مقابل تعرضات رژیم تاکید میگردد. باید متشکل شد. باید در محلات و در کارخانه، در مدارس و در همه جا متشکل شد. باید مجامع عمومی کارگران در کارخانجات به سنتی تثبیت شده و پایدار تبدیل شود. تجمعات هر روزه کارگران و تکرار شدن برپایی مجامع عمومی کارگری در اعتراضات جاری امروز ما را در یک قدمی تشکیل مجامع عمومی منظم کارگری قرار داده است، باید این گام اساسی را به جلو برداشت. هنگامیکه کارگران پتروشیمی در اراک در مبارزانشان اعلام داشتند هر سه شنبه تجمع! هر سه شنبه اعتراض! بطور واقعی گامی بزرگ در جهت تثبیت مجامع عمومی کارگری برداشتند و در مقابل کارگران در دیگر مراکز کارگری راه نشان دادند. باید این گامها را تثبیت کرد.

در کنار مجامع عمومی منظم در محل های کار، متشکل شدن در محلات و سازماندادن مبارزه ای متحد در هر محله در تقابل با تعرضات رژیم یک اقدام ضروری جدی در شرایط کنونی است. میتوان در محلات جمع هایی را تشکیل داد که کار خود را مقابله با هر نوع تعرض رژیم قرار میدهند و عرصه را بر حضور کله های حزب الله در آن محل تنگ میکنند. جمع هایی که هر کجا شاهد تعرض به زنان، جوانان و به مردم هستند، فوراً تعرض متقابل در برابر آن را سازمان میدهند و با پی کردن اجتماعات اعتراضی مامورین رژیم را فراری میدهند. جمع هایی که

در روابط اجتماعی در محل تنیده شده و مورد حمایت و پشتیبانی مردم در محل هستند. بعبارتی دیگر جوانان و بچه های محل در هر محله میتوانند برگرد هم جمع شوند و کنترل محلات را دست گیرند و با محلات و مناطق دیگر صفتی متحد از مبارزه را بوجود آورند. اشکال مختلف تشکل ها و ظرفهای مبارزاتی را باید بوجود آورد، باید جمع های آزادی زن را در محله و محیط کار و دانشگاه و مدارس تشکیل داد، باید دانشجویان، معلمان، پرستاران و همه بخش های جامعه متشکل شوند و تشکل های واقعی خود را که نمایندگان اراده متحد آنها باشد را بوجود آورند.

بر پایی تجمعات از پیش تعیین شده و نقشه مند، مانند تجمع هر یکشنبه معلمان، قطعنامه دادن و صدور بیانیه های اعتراضی و انعکاس آنها در رسانه های داخلی و در سطح بین المللی، هبستگی با مبارزات بخش های مختلف جامعه همه و همه گامهای مختلف پیشبرد یک مبارزه سازمانیافته است که نمونه های آنرا مردم خود در مبارزاتشان تجربه کرده اند. باید اینها همه از سوی رهبران کمونیست و فعالین اعتراضات جاری بصورت سنت های جا افتاده بکار گرفته شود. مثال بارزی از این تجربیات، تجربه ده روز اعتراض و مبارزه پیروزمند، ده روز اعتراض گسترده و وسیع در سفر و برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در این شهر بود. اعتراضی با

شکوه و پیروزمند که از سفر شروع شد و به اقصاء نقاط جهان از آمریکا و کانادا تا استرالیا و دیگر کشورها کشیده شد.

واقعیت اینست که امروز همبستگی در میان بخش های مختلف مردم و در میان کارگران نیز اشکال سازمانیافته تری بخود گرفته است. قطعنامه های حمایتی، خطاب قراردادن نهادهای بین المللی و جلب حمایت و همبستگی آنها قدمهای دیگری است که برداشته شده و ما آنرا در پیامهای همبستگی با کارگران خاتون آباد، پیامهای همبستگی با مردم زلزله زده بم و در پیامهای همبستگی مبارزات مردم در ایزه شاهد بودیم. اینها همه اشکال گوناگونی از پیشبرد مبارزه ای متحد و سازمانیافته در شرایط کنونی است که باید آنها را بکار برد و صف متحدی از مبارزه و همبستگی را سازمان داد.

و بالاخره وجود حزب کمونیست کارگری، حزب طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه، یک نقطه قدرت اساسی برای طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی است که امروز باتمام قوا در صحنه سیاسی ایران حضور دارد و برای سرنگونی این رژیم و برقرار جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. باید به این حزب پیوست و به دور آن حلقه زد تا خواست میلیونها انسان را برای خاتمه دادن به موجودیت منحوس این رژیم و کلیت این نظام به سرانجام رساند. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

Tel: 0044-779-1130-707

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



جمهوری اسلامی حتی با اتم هم قادر به بقا نخواهد بود!

علی جوادی

آمریکا تنها نیروی است که سلاح اتمی را علیه انسانها بکار برده و صدها هزار مردم بیگناه ناکازاکی و هیروشیما را در ظرف چند ثانیه تبدیل به خاکستر کرده است. پرونده این قطب جهانی تروریسم ناتو و قدر قدرتی امپریالیستی، عیان و غیر قابل انکار در جلوی چشم جهانیان است.

۵- ما در عین حال که بطور همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکنیم باید اعلام کنیم که هرگونه حمله ماجراجویانه نظامی آمریکا و اسرائیل و یا متحدینش به تاسیسات هسته ای و یا تحریم اقتصادی ایران مصائب ناگوار بسیاری برای مردم بدنبال خواهد داشت و از جانب ما مردم آزادیخواه محکوم است. حمله نظامی به تاسیسات هسته ای ایران نه تنها باعث خواهد شد که تشعشعات رادیو اکتیو در شهرهای بزرگ ایران گسترده شود، علاوه بر آن موجب شروع موج جدیدی از تروریسم و عملیات انتحاری اسلامی و تشدید تقابل نظامی میان دو قطب تروریستی در سطح منطقه خواهد شد. در پی این اقدامات فضای نظامی - تروریستی در سطح منطقه گسترش بیسابقه ای خواهد یافت. این شرایط منجر به قیچی شدن روند اعتراضات و جنبشهای اجتماعی مردم علیه رژیم اسلامی خواهد شد.

حزب و جنبش ما در پیشاپیش حرکت توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی قرار دارد. این جنبشی برای آزادی و برابری و رفاه است. این جنبش یکی از ارکان بشریت متمدن برای رهایی و خلاصی است. جهان نیازی به سلاحهای کشتار دسته جمعی ندارد. جنبش ما باید پرچمدار مبارزه برای نابودی سلاحهای اتمی و سلاحهای کشتار دسته جمعی در سطح جهان باشد. *

کارنامه قطب اسلام سیاسی لیست طویلی از نسل کشی و جنایات تکان دهنده از سربریدن و تروریسم روزمره و قتل عام انسانهای بیگناه گرفته تا جهاد اسلامی و خون ریختن قرار دارد. این اردوگاه اکنون به یک قطب فعال تروریسم بین المللی و یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه تبدیل شده است. تجهیز رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی، تروریسم اسلامی و جنبش کثیف اسلام سیاسی را به جنبشی اتمی تبدیل کرده که میتواند خاورمیانه را به ورطه نابودی بکشاند. کسانی که هم اکنون انسان زنده را به بمب ساعتی و ماده انفجاری تبدیل میکنند، از هواپیماهای مسافربری موشک آدمکشی اسلامی میسازند، در صورت دستیابی به سلاح اتمی تهدیدی مهلك برای بشریت خواهند بود.

۳- تنها ضامن واقعی و اطمینان خاطر قطعی از عدم دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی در تشدید فعالیت برای سرنگونی رژیم اسلامی و سازماندهی و رهبری انقلابی است که شاهد طلایه ها و بروزات متعدد آن هستیم. رژیم اسلامی یک ماشین مذهبی کشتار جمعی است که در حال تبدیل به یک ماشین اتمی کشتار دسته جمعی است، باید هرچه زودتر سرنگونش کرد.

۴- ما در عین حال با صدای رسا باید اعلام کنیم که سیاست آمریکا و متحدینش مبنی بر خلع سلاح اتمی جمهوری اسلامی کوچکترین ربطی به صلح و مصون داشتن مردم از مخاطرات اتمی نداشته، بر عکس تلاشی برای حفظ کنترل انحصاری بر سلاحهای کشتار دسته جمعی و اتمی در سطح جهان است. آمریکا و متحدینش تماما نیروهای اتمی هستند. بیش از ۸۰٪ سلاحهای اتمی جهان در اختیار دولت آمریکا و متحدینش قرار دارد.

کاسته و شرایط بقای رژیم را تامین کند. این جوهر و هدف رژیم اسلامی است. اما این تلاش ناشی از یک اشتباه محاسبه کودخانه است، از سر ناچاری و استیصال است. آنچه در درجه اول بقای رژیم را تهدید میکند، مردمی هستند که میخواهند سر به تن این رژیم آدمکش نباشد. جنبشهای اجتماعی ای که گام اول در راه رسیدن به اهدافشان سرنگونی رژیم اسلامی است. این جامعه، از وجود حزبی برخوردار است که نیروی سازمانده و رهبری کننده انقلاب این مردم برای آزادی و برابری و رفاه است. اسلام اتمی هم قادر به حفظ حکومت اسلامی نیست.

اما یک سیاست کمونیستی در مقابله با تلاشهای رژیم اسلامی و تشدید تخاصم بین المللی در این زمینه بر چه مبنایی ای باید استوار باشد؟

رئوس سیاست بشریت متمدن

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به سلاحهای کشتار اتمی باعث تشدید کشمکشها و مخاطرات اتمی در سطح جهان شده است. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی یک نگرانی جدی مردم در سطح جهان است و پاسخ زیر را از جانب بشریت متمدن میطلبد.

۱- جنبش ما، بشریت متمدن باید بدون قید و شرط خواهان پایان دادن به مسابقه خونبار تسلیحاتی اتمی و نابودی تمامی سلاحهای کشتار دسته جمعی موجود در جهان شود. سلاح کشتار دسته جمعی انسانها باید در جهان از میان برداشته شود. هیچ دولت، هیچ نیرویی نباید با فشار یک دکمه قادر به نابودی بخشی از مردم و انسانهای بیگناه باشد. این ابزار کشتار همگانی را باید از صحنه جهان موجود حذف کرد. این تهدید را باید از بالای سر بشریت برداشت. ما به صف تمامی انسانهایی متعلقیم که خواهان خلع سلاح اتمی جهان هستیم.

۲- ما باید تلاشهای رژیم اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی را شدیداً محکوم نماییم. در

تهاجم رژیم مردم را مرعوب نکرده است، منجر به جری تر شدن آنها شده است. اسلام و آخوند و فرهنگ و سنن اسلامی از زندگی مردم در حال جارو شدن است. اعتراضات از هر گوشه و به هر بهانه ای سر بلند میکنند. اعتراضات کارگران، معلمان، پرستاران، زنان، جوانان و دانشجویان هر روز رادیکال تر میشود. در هر اعتراضی بسرعت باور نکردنی شعار مرگ بر رژیم اسلامی فریاد زده میشود. خواست آزادی و برابری دیگر مشخص کننده و خصلت نمای مطالبات مردم شده است. در کنار این فاکتورهای داخلی فشار خارجی بر جمهوری اسلامی شدت گرفته است. هیات حاکمه آمریکا اعلام کرده است که "حکومت آخوندی اتمی را تحمل نخواهد کرد". رژیم اسلامی توان مانور و بازی میان شکاف اروپا و آمریکا را از دست داده است. توازن قوا از هر سو به زیان رژیم اسلامی تغییر کرده است.

در چنین شرایطی تقلابهای رژیم اسلامی برای دستیابی به سلاح اتمی شدت گرفته است. از یکطرف میکوشند تا فشار دول غربی در مقابله با تلاشهای هسته ای رژیم را خنثی کنند و از طرف دیگر در حال آماده سازی توان هسته ای خود هستند و بهینه سازی موشکهای دوربرد شهاب را آزمایش میکنند. از قرار رژیم اسلامی بقای خود را در دستیابی به تسلیحات اتمی جستجو میکنند. گویا تهدید انفجار درونی هسته ای اتم قرار است حکومت خدا و اسلام و جنبش اسلام سیاسی را در مقابل مردمی که عزم جزم کرده اند که این رژیم را بزیر بکشند، بر سرپا نگهدارد. رژیم سرنوشت خود را به توان ذرات اتم و توان انفجاری آن گره زده است.

رژیم در تقلاست تا همسرنوشت رژیم صدام در عراق نشود. الگوی کره شمالی را دنبال میکند. وقت خریدن، تخفیف فشار بین المللی، و در عین تلاش بیشتر برای دستیابی به سلاحهای هسته ای. قرار است برگ اتم آن اهرمی باشد تا توازن قوای بین المللی در مقابله با رژیم اسلامی را بر هم زند، از فشارهای بین المللی

رژیم اسلامی اعلام کرده است که پروژه غنی سازی اورانیوم و ساخت قطعات و مونتاژ ساترفیوژها را از سر خواهد گرفت. ۱۵۰ نماینده مجلس طرحی را برای از سرگیری غنی سازی امضا کرده اند. شمشخانی، وزیر دفاع حکومت اسلامی، اهداف نظامی تلاشهای هسته ای رژیم اسلامی را روشن کرده است: "باید از پدافند هسته ای سازمان یافته برخوردار باشیم". تلاشهای دیپلماتیک سه کشور اروپایی، آلمان، انگلیس و فرانسه در قبال تلاشهای هسته ای رژیم ایران شکست خورده است. متعاقباً اقدامات و فعالیتهای سه کشور اروپایی و آمریکا از یکطرف و از طرف دیگر رژیم اسلامی بطور قابل ملاحظه ای در این رابطه شدت گرفته است. شرایط رو به وخامت گذاشته است. شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی اجلاس آتی خود را در ۱۳ سپتامبر برگزار خواهد کرد. پرونده تلاشهای اتمی رژیم اسلامی در آستانه ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته است، و مقابله با رژیم اسلامی در عرصه بین المللی شدت گرفته است. آیا اتم رژیم اسلامی را نجات خواهد داد؟

برگ اتم

رژیم اسلامی در بن بست سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بسر میبرد. در یک فلج اقتصادی بسر میبرد. هیچ راه حل اقتصادی برای ترکیب "سرمایه + اسلام" برای رژیم متصور نیست. سرمایه بدون اسلام نیز حاصلی جز فقر و فلاکت برای مردم بدنبال نخواهد داشت. وجود رژیم اسلامی خود معضل پایه ای هرگونه دستیابی به راه حل اقتصادی است. به لحاظ سیاسی رژیمی که تنها بر پایه سرکوب و اعدام و کشتار توانسته بود بقای تانکونی خود را تضمین کند، اکنون کارایی این ابزارش را از دست داده است. تهاجم به زنان در حال پاسخگویی است. در مشهد، تبریز و آبادان نمونه هایی از یک تعرض متقابل به نمایش گذاشته شده است. در زاهدان بساط چوبه های دار رژیم را در هم شکستند.

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران